



An Investigation of the Cultural Condition of the Pre-Advent Era of Imam Mahdi (PBUH) in the Domains of Cognition, Belief, Values, and Tendencies from the Perspective of Narrations

Dr. Mahmoud Amirian ¹

Abstract

This study explores the cultural situation in the End Times and the era preceding the advent of Imam Mahdi (PBUH) from the perspective of Islamic traditions (Hadith). Employing a descriptive-analytical method and a library-based approach, the research focuses specifically on two fundamental cultural components: "cognitions and beliefs" and "values and orientations," excluding behaviors and practices due to their extensive scope. The significance of this investigation lies in raising awareness about pre-appearance cultural crises, fostering preparedness to confront them, and contributing to the groundwork for the advent of the Promised Savior. Findings indicate that on the eve of the Advent, religious cognition and beliefs undergo marginalization, leaving Islam with nothing but its name. In the realm of values and orientations, adherence to faith becomes arduous and exhausting; mosques, despite their adorned appearances, lose their primary function; and values are supplanted by counter-values. Nevertheless, the conditions for piety become more accessible, and true believers preserve their faith, receiving amplified rewards. This study, distinguished by its novel focus on two specific cultural domains and its incorporation of documentary analysis, provides a clearer depiction of the cultural landscape preceding the Advent.

Keywords: Cultural Situation, End Times, Cognition and Belief, Value and Orientation, Pre-Advent, Imam Mahdi (PBUH)

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran(m.amirian@malayeru.ac.ir)

واکاوی وضعیت فرهنگی دوران پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حوزه های شناخت، باور، ارزش و گرایش از منظر روایات

محمود امیریان^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی وضعیت فرهنگی آخرالزمان و دوران پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر روایات اسلامی، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کتابخانه ای سامان یافته است. فرهنگ در این مقاله به دو مؤلفه بنیادین «شناخت ها و باورها» و «ارزش ها و گرایش ها» محدود شده و رفتارها و کردارها به دلیل گستردگی، از دایره بررسی خارج است. اهمیت این پژوهش در آگاهی از بحران های فرهنگی پیش از ظهور، آمادگی برای رویارویی با آنها و زمینه سازی برای ظهور منجی موعود نهفته است. بررسی ها نشان می دهد که در آستانه ظهور، شناخت و باورهای دینی دچار غربت و کمرنگ شدگی می شود و از اسلام جز نامی باقی نمی ماند. در حوزه ارزش ها و گرایش ها نیز دینداری سخت و طاقت فرسا می گردد، مساجد با حفظ ظاهر آراسته، کارکرد اصلی خود را از دست می دهند و ارزش ها جای خود را به ضد ارزش ها می سپارند. با این حال، زمینه های دینداری نیز فراهم تر شده و مؤمنان واقعی با پاداشی افزون، به حفظ ایمان خویش می پردازند. این پژوهش با رویکردی نوین و با تمرکز بر دو حوزه خاص فرهنگی و با بهره گیری از بررسی های سندی، تصویری روشن از وضعیت فرهنگی پیش از ظهور ترسیم می کند.

واژگان کلیدی

وضعیت فرهنگی، آخرالزمان، شناخت و باور، ارزش و گرایش، پیش از ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مقدمه

فرهنگ به مثابه زیربنای فکری و ارزشی هر جامعه، تعیین کننده مسیر حرکت افراد و جهت گیری های کلان اجتماعی است. بررسی وضعیت فرهنگی در دوران پایانی تاریخ بشری و

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران
 (m.amirian@malayeru.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

به ویژه در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از آن رو اهمیت می‌یابد که این دوران بنابر روایات، عرصه تقابل آشکار حق و باطل، و بستری برای شکل‌گیری نهایی‌ترین نبرد فرهنگی میان جبهه ایمان و کفر خواهد بود. آنچه در این میان شایسته تأمل است، نه صرفاً توصیف بحران‌ها و انحرافات، بلکه شناخت دقیق تحولاتی است که در لایه‌های بنیادین فرهنگ یعنی شناخت‌ها، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های انسان‌ها رخ می‌دهد؛ تحولاتی که زمینه‌ساز ظهور منجی موعود و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهند بود.

فرهنگ در لغت به معنای علم، فضل، دانش، ادب و عقل به کار برده شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص. ۱۵۱۰۹) برخی دیگر تربیت، مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و هنرهای یک قوم را نیز افزوده‌اند. (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۲۵۳۸) تعاریف اهل لغت دانشمندان علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی را برای ارائه تعریفی جامع به زحمت انداخته‌اند. از این رو اصطلاح فرهنگ «culture»، در علوم انسانی و اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی استعمال فراوانی دارد. با این حال، مفهوم واحد و مشخصی ندارد به گونه‌ای که تاکنون بیش از ۲۷۰ تعریف مختلف، از آن ارائه شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۸؛ علی‌احمدی، ۱۳۸۳، ص. ۴۷؛ گیدنز، ۱۳۷۴، ص. ۳۶).

شاید بتوان علت اصلی متفاوت بودن تعریف فرهنگ از سوی اندیشمندان را، ناشی از پیچیدگی، وسعت، چندبُعدی بودن و ماهیت قراردادی این مفهوم دانست؛ همچنین تفاوت در اهداف، رویکردها، زمینه‌های علمی و شرایط تاریخی و اجتماعی نیز به این اختلاف دامن زده است. با وجود تعارف مختلف از فرهنگ، تعریف برگزیده نگارنده از فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها و رفتارهای مادی و معنوی افراد یک جامعه که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (علی‌احمدی، ۱۳۸۳، ص. ۷۴؛ عرفان، ۱۳۹۳، ص. ۳۱). فرهنگ همان رفتارها و باورهای والا و جافتاده جامعه است و شامل آدابی است که الگو و اسوه اعمال افراد در جمع و نمایانگر روح هر جامعه است.

بنابر تعریفی که ارائه شد مؤلفه‌های فرهنگ را می‌توان در سه نظام وابسته به هم دانست که عبارتند از: ۱. شناخت‌ها و باورها؛ ۲. ارزش‌ها و گرایش‌ها؛ ۳. رفتارها و کردارها. (کاشفی، ۱۳۸۹، ص. ۲۷) آنچه این پژوهش درصدد بیان آن است چگونگی وضعیت فرهنگی در دو حوزه شناخت‌ها و باورها و ارزش‌ها و گرایش‌ها در آخرالزمان و پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر روایات است. از این رو به حوزه رفتار و کردار پرداخته نمی‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که مقاله حاضر وضعیت فرهنگی را در آخرالزمان و پیش از ظهور رصد می‌نماید؛ لذا به آن دسته از روایات که شامل این محدوده زمانی، یعنی آخرالزمان و به ویژه پیش از ظهور است، پرداخته شده است. از آن جا که در برخی از روایات از عنوان آخرالزمان استفاده شده است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۰) و این اصطلاح، مفهومی نسبی داشته که قابلیت تطبیق به دوران‌های متعددی را دارد؛ بنابراین بدیهی است که همه روایاتی که حوادث آخرالزمان را دربر دارند، نمی‌تواند مقصود ما باشد؛ زیرا برخی از احادیث بعثت پیامبر خاتم را در آخرالزمان دانسته‌اند، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۳۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹۹) برخی ظهور خوارج شورشگر بر امام علی علیه السلام را در دوره آخرالزمان دانسته‌اند، (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۴۵۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۶۷) برخی نیز به روزگار پیش از قیامت نظر دارند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۴۹؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۰۴) از این رو آنچه در این نوشتار مورد بحث است، وقایع و وضعیت فرهنگی آخرالزمان به معنای بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیش از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. البته تأکید بیشتر روی احادیث آستانه ظهور می‌باشد و با قرائنی این دسته از احادیث مشخص می‌شود. هر چند روایاتی هم که حوادث و وقایع پیش از قیامت را ذکر می‌کند ضرری به بحث ما نمی‌رساند؛ زیرا هر آنچه که پیش از ظهور حضرت واقع شود، پیش از قیام قیامت هم خواهد بود، و لزومی ندارد که تمام مواردی که به عنوان اشراف الساعه ذکر شده است حتماً در آستانه و نزدیک به قیامت باشد؛ علاوه بر این که گاهی قرائنی وجود دارد که از آنها، زمان پیش از ظهور استفاده می‌شود.

بررسی وضعیت فرهنگی آخرالزمان و پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حوزه شناخت و باورها و ارزش و گرایش‌ها دارای اهمیت فراوانی است. آگاهی از بحران‌های آخرالزمان در این دو حوزه و اصلاح آنها؛ آمادگی رویارویی با بحران‌ها و عدم انفعال و انتظار منفعلانه در برابر آنها؛ امیدواری و عدم یأس در چنان محیطی برای مؤمنان واقعی و نیز برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه؛ هشدار برای مسئولان فرهنگی به عنوان سردمداران هدایت فرهنگی مردم و تبیین شرایط آمادگی جامعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمله وجوه اهمیت این بحث می‌باشد.

در زمینه بررسی وضعیت عمومی آخرالزمان مقالاتی به نگارش در آمده است مانند «وضعیت عموم مردم و جامعه جهانی در روایات آخرالزمان» اثر قنبرعلی صمدی، نشریه پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۸، پائیز ۱۳۹۵ و مقاله «بررسی وضعیت عمومی مردم و جامعه جهانی در روایات

آخرالزمان» اثر محمد مهدی حائری پور، نشریه مشرق موعود، ش ۳۸، تابستان ۱۳۹۵. نیز کتبی که درباره وقایع آخرالزمان نوشته شده اند به وضعیت عمومی مردم و پیشگویی‌ها اشاره دارند؛ این پژوهش‌ها معمولاً به وضعیت عمومی مردم در آخرالزمان از نظر دین، فرهنگ، اخلاق، امنیت و اقتصاد پرداخته‌اند و متمرکز در حوزه خاصی نیستند. علاوه بر این که به بررسی سندی روایات نیز پرداخته نشده است. اما آنچه این نوشتار را از پژوهش‌های انجام گرفته متمایز می‌کند، علاوه بر بررسی سندی روایات، تمرکز آن بر حوزه خاصی از وضعیت عمومی مردم آخرالزمان یعنی حوزه شناخت و باورها و ارزش و گرایش‌هاست. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای به وضعیت فرهنگی آخرالزمان و پیش از ظهور امام زمان علیه السلام در حوزه شناخت و باورها و ارزش و گرایش‌ها از منظر روایات می‌پردازد.

روش پژوهش

در این نوشتار سعی بر آن بوده است تا روایات بررسی سندی شده و از روایات معتبر استفاده شود؛ اما این بدان معنا نیست که از روایات ضعیف بهره برده نشده است؛ زیرا داوری درباره صحت روایات باید براساس معیارهای خاصی انجام پذیرد؛ مانند بررسی سند و مجموع قرائن درون متنی؛ شاید سند حدیثی ضعیف باشد؛ ولی در حقیقت معتبر باشد. گاه فراوانی روایات در بابی باعث جبران ضعف روایات می‌شود. یکی دیگر از راه‌های اثبات اعتبار حدیث، تحقق عینی محتوای آن است. روایات اهل بیت علیهم السلام مانند آیات قرآن مجید، می‌توانند مفسر یکدیگر باشند؛ به گونه‌ای که ابهام و اجمال در روایتی با تفسیر و تفصیل در روایتی دیگر بر طرف می‌شود. بر این اساس روایات هم خانواده باید در کنار یکدیگر بررسی شوند. (حیدری فرو مقدسی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۱)

بعد از ذکر مقدمه، مقاله مذکور در دو بخش پایه‌ریزی می‌شود:

شناخت‌ها و باورها

شناخت‌ها و باورها شالوده فعالیت‌های بشر در گستره اندیشه است و از تصورها و باورهای انسان پدید می‌آید. با بررسی روایات به این حقیقت می‌توان پی برد که شناخت و باور انسان‌ها در آخرالزمان دچار تغییر و دگرگونی اساسی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

زمانی خواهد آمد که باطل حق شناخته شده و حق باطل. این نشان از تغییر انسان‌ها در ناحیه شناخت‌ها و باورهاست.

روایاتی که بیانگر غربت اسلام بوده و آخرالزمان را برهه‌ای از زمان دانسته که از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند، اشاره به این حوزه از وضعیت فرهنگی آخرالزمان و پیش از ظهور دارد. ابتدا چند روایت در این زمینه آورده سپس به بررسی سندی و دلالتی آن می‌پردازیم.

۱. حَدَّثَنِي عَلَى بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِسْمُهُ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اِسْمُهُ يَسْمَوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ...؛ روزگاری بر مردم بیاید که از قرآن جز نشان (یا نوشته‌ای) به جای نماند، و از اسلام جز نامی نماند، مردم خود را مسلمان نامند در صورتی که دورتر از همه کس بدان باشند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص. ۳۰۷، ح ۴۷۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص. ۳۰۱، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۱۰۹، ح ۱۴ و ج ۱۸، ص. ۱۴۶، ح ۷ و ج ۲۲، ص. ۴۵۳، ح ۱۱ و ج ۵۲، ص. ۱۹۰، ب ۲۵، ح ۲۱؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۶۹، ص. ۵۴۰)

۲. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ همانا اسلام غریبانه آغاز شد و به زودی به حال غربت همچون آغاز باز خواهد گشت پس خوشا به حال غریبان. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص. ۶۶ و ۲۰۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۱۹۱)

۳. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّيْمَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَخَوَايَ مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ ابْنَا الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ وَ عَنْ جَمِيعِ الْكُنَاسِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ كَامِلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛ همانا قائم ما چون قیام کند مردم را به امر نوینی دعوت کند همان طور که رسول خدا ﷺ دعوت فرمود و اسلام غریبانه آغاز شد و همچون آغازش به حال غربت باز خواهد گشت پس خوشا به حال غریبان. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۳۶؛ موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص. ۵۳۰)

۴. حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ رَبَاحٍ الزُّهْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ عِيْسَى الْحَسَنِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَطَّائِيِّ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَأْنَفَ

دُعَاءَ جَدِيداً كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَقُمْتُ إِلَيْهِ وَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنَّكَ إِمَامِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أُولَى وَلِيكَ وَأُعَادِي عَدُوَّكَ وَأَنَّكَ وَلِيَّ اللَّهِ فَقَالَ رَجَمَكَ اللَّهُ؛ از ابی بصیر که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا از معنای این که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: (که اسلام غریبانه آغاز شد و به زودی به حالت آغازش باز خواهد گشت پس خوشا به حال غریبان) آگاه فرما. فرمود: ای ابا محمد هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند دعوت نوینی از سر گیرد همان طور که رسول خدا ﷺ دعوت فرمود، گوید برخاستم و سر مبارکش را بوسه زدم و عرض کردم: گواهی می دهم که تو امام منی در دنیا و آخرت، دوستت را دوست دارم و دشمنت را دشمن می دارم و گواهی می دهم بر این که تو ولی خدائی. فرمود: خدا رحمتت کند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۳۲۲)

۵. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛ عبدالله بن عطاء گوید: از امام باقر علیه السلام از رفتار مهدی علیه السلام پرسیدم که رفتارش چگونه خواهد بود؟ فرمود: اساس پیش از خود را ویران کند؛ همان طور که رسول اکرم ﷺ کار و بار دوران جاهلیت را ویران کرد و اسلام را از نو شروع می کند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۳۸)

۶. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ الْقَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ فَقَالَ بِسِيرَةٍ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يَظْهَرَ الْإِسْلَامَ قُلْتُ وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَبْطَلَ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ يَبْطُلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَاسْتَقْبَلُ بِهِمُ الْعَدْلُ؛ از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم چگونه در میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: به روش پیغمبر ﷺ عمل می نماید تا آن که اسلام را آشکار می سازد. عرض کردم: روش پیغمبر چگونه بود؟ فرمود: پیغمبر آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد. قائم هم موقعی که قیام می کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان اسلام در میان مسلمین مرسوم گشته از میان می برد و مردم را به عدالت گستری رهبری می نماید. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص. ۱۵۴، ب ۷۰، ح ۲۷۰؛ موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص. ۵۰۴)

بررسی سندی روایات

در روایت نخست ابراهیم بن هاشم به سه قرینه از بزرگان شیعه به شمار می‌آید:

(الف) روایات فراوان فرزندش علی بن ابراهیم از وی به ویژه در کتاب تفسیر که ادعا دارد روایات آن را از ثقات نقل می‌کند.

(ب) ادعای اجماع ابن طاووس بر صحت سندی که نام ابراهیم بن هاشم نیز در آن به چشم می‌خورد.

(ج) به تصریح نجاشی وی نخستین کسی بود که احادیث مکتب کوفه را در قم منتشر نمود. اگر بزرگان قم ایشان را ثقه نمی‌دانستند ایشان هیچ‌گاه موفق به چنین کاری نمی‌شد. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱) حسین بن یزید نوفلی توثیق صریح ندارد ولی برای وثاقت وی به قرائنی تمسک شده است از جمله این که: وی از رجال تفسیر قمی و کامل الزیارات است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۲۲) یا شیخ طوسی در کتاب «عدة الاصول»، ج ۱، ص ۱۴۹ تصریح می‌نماید که فقهای شیعه براساس روایات سکونی، فتوا داده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹) از سوی دیگر، راوی کتاب سکونی و عموم روایات وی، نوفلی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶) از کنار هم قرار دادن این دو نکته، دلالت التزامی بر وثاقت نوفلی خواهد داشت. اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی نیز هر چند از اهل تسنن است؛ ولی براساس متنی که از شیخ طوسی گذشت، روایات وی از نظر بزرگان شیعه، قابل فتوا و عمل است و این نکته دلالت بر وثاقت او دارد. با توجه به مطالب ذکر شده سند روایت نخست موثق مبنایی است.

در سند روایت دوم جعفر بن علی بن حسن قرار دارد، وی هرچند توثیق ندارد ولی با توجه به این که استاد شیخ صدوق است و صدوق روایات وی را به ویژه در کتاب فتوایی خود، یعنی من لا یحضره الفقیه، گنجانده است، می‌توان او را ثقه به شمار آورد. حسن بن علی و پدر بزرگش عبدالله بن مغیره از بزرگان و ثقات شیعه هستند. (نجاشی ۱۴۱۶ق، ص ۶۲ و ۲۱۵) اسماعیل بن مسلم، همان اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی است. بنابراین سند، موثق مبنایی است.

در روایت سوم ابن عقده زیدی ثقه است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۳) علی بن حسن بن علی بن فضال هم فطحی ولی ثقه است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۵۸) برادران علی نیز از راویان ثقه هستند (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸۷ و ج ۱۶، ص ۲۴۴) حسن بن علی بن فضال نیز راوی ثقه است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۸) ثعلبة بن میمون نیز راوی شیعه و ثقه است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۱۶) کامل در این سند، مشترک میان چند نفر است که هیچ

یک نه توثیق دارند نه روایت فراوانی. بنابراین سند، مبتلی به اهمال کامل است. در روایت چهارم حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی است که ضعیف و متهم به دروغگویی است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۷۰) بنابراین سند روایت، ضعیف است. روایت پنجم از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۵۰۳) در سند این روایت عبدالله بن عطاء، مردد میان چند نفر است که برای اثبات وثاقت هیچ‌یک نکته خاصی وجود ندارد. وثاقت احمد بن محمد بن سعید و علی بن حسن بن فضال و پدرش هم ذیل روایت ۳ ذکر شد. رفاعه نیز راوی ثقه است. (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۲۰۳) بنابراین سند، مبتلی به اهمال عبدالله است.

در سند روایت ششم محمد بن حسن صفار (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۶۳)، محمد بن حسین بن ابی خطاب (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۳۰۸)، جعفر بن بشیر (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۲)، علاء بن رزین (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۸۳) و محمد بن مسلم (کشی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۷۵) از فقهاء و بزرگان و ثقات شیعه وجود دارند. بنابراین سند روایت، صحیح اعلائی است.

بررسی دلایلی روایات

در این‌که معنای عبارت «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً» چیست دو تفسیر متفاوت بیان شده است. علامه مجلسی از ابن اثیر جزری در شرح عبارت «طَوْبَى لِلْغُرَبَاءِ» نقل می‌کند: مقصود از غریبان کسانی هستند که در آغاز و انجام اسلام که حال غربت دارد به او بگروند و چون غربت اسلام به لحاظ کم بودن مسلمانان است، از این روی آن مسلمانان نیز چون اندکند غریب خواهند بود؛ بنابراین خوشابه حال غریبان یعنی بهشت بر آنان باد که بر آزار و اذیت کفار صبر پیشه کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۹۱)

با توجه به این تفسیر اسلام در آخرالزمان در غربت به سر می‌برد و مردم تصور و شناخت و باور کافی از آن ندارند. چه این‌که گرایش و عمل به دینی در گرو شناخت و تصویری درست نسبت به آن است و همان‌طور که در بدو پیدایی اسلام چون مردم اطلاع و تصور کافی از اسلام نداشتند و هنوز اسلام و معارف آن به مردم رخ نشان نداده بود، از این روی دین اسلام پیرو چندانی نداشت و به محض این‌که اسلام اهداف، آموزه‌ها و زیبایی‌های معرفتی خویش را آشکار کرد، تاریخ شاهد استقبال شدید مردم از دین اسلام شد. در آخرالزمان و به ویژه در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با توجه به روایات، مردم شناخت و باور کافی نسبت به دین

اسلام نخواهند داشت و بدیهی است که با عدم شناخت، گرایشی نیز نسبت به اسلام نمی‌باشد. البته این امر علل متعددی می‌تواند داشته باشد که این مقاله درصدد بیان آن نیست؛ ولی از باب نمونه می‌توان به تبلیغات گسترده جوامع غربی علیه دین اسلام اشاره نمود تا جایی که مردم در زیر بمباران تبلیغاتی دچار غفلت شده و تصور روشنی از دین حق و معارف دینی نخواهند داشت.

برخی نیز در معنای این احادیث احتمال دیگری را مطرح کرده‌اند که «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا» یعنی اسلام به صورتی غریبی ظهور کرد که با غرابت خود، عقول بشری را تکان داد و «سَيَعُودُ غَرِيبًا» یعنی به زودی اسلام، مجد و عظمت خود را به طوری محیرالعقولی از سر می‌گیرد و بنابراین روایت اشاره به نیروی اسلام هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه دارد که به صورت تنها دین جهانی در خواهد آمد. (صافی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۸۰)

با توجه به شواهد و قرائن موجود در روایات، تفسیر نخست صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در روایت چهارم، امام صادق علیه السلام در جواب سوال ابو بصیر، عبارت «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا» را به این صورت معنا می‌کنند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بعد از ظهور، دعوت جدیدی را از سر می‌گیرد؛ یعنی همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالت خویش دعوت جدیدی داشت و مردم را به سوی اسلام دعوت می‌نمود، حضرت نیز دعوت جدیدی خواهد داشت و این نشان از عدم شناخت مردم و به تبع عدم پیروی و عمل آنها به اسلام می‌باشد. از سویی دیگر در روایت نخست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بر مردم زمانی خواهد آمد که از قرآن جز نشان یا نوشته‌ای و از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند، و این پیشگویی با تفسیر نخست هماهنگ است.

البته تفسیر دوم را می‌توان از لوازم و پیامدهای تفسیر نخست دانست؛ بدین بیان که وقتی اسلام غریب بوده و از شناخت و پیرو چندانانی برخوردار نبود، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه قیام نموده و دعوت جدیدی را از سر می‌گیرند. با این کار حضرت، اسلام دوباره به اوج مجد و عظمت خود رسیده و عقول بشری را مدهوش می‌گرداند.

نکته آخر این که این پیشگویی (غربت اسلام) هر چند در برخی از روایات (روایت اول و دوم) به صورت عام مطرح شده و شامل گستره زمانی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا هنگام ظهور می‌باشد؛ اما با توجه به روایات دیگر (روایات سوم تا ششم) می‌توان به طور قطع این پیشگویی را از نشانه‌های پیش از ظهور دانست.

ارزش‌ها و گرایش‌ها

این مؤلفه بیانگر ارزش‌ها و اعتقاد به آنهاست. در این ساحت، میان مطلوب و نامطلوب، خوب و بد، شایسته و ناشایسته، پسند و ناپسند، روا و ناروا در قالب آموزه‌های ارزشی، اخلاقی، حقوقی به معنای عام آن مرزبندی می‌شود. در این مؤلفه انسان‌ها می‌آموزند که درباره خویش و دیگران چگونه بیندیشند. در این قسمت درصدد این هستیم تا وضعیت فرهنگی آخرالزمان را از این منظر بررسی نماییم. چه چیزهایی برای مردم ارزش شده و به چه چیزهایی گرایش دارند؛ البته عملکرد و رفتار آنها مراد ما نمی‌باشد؛ چرا که این خود پژوهشی جداگانه‌ای می‌طلبد. بنابراین آنچه در این قسمت مقصود ماست، نوع نگاه مردم نسبت به ارزش‌ها در آخرالزمان است. چه چیزهایی برای آنها مطلوب و شایسته و چه چیزهایی نامطلوب و ناشایست است.

۱. دینداری

نگرش مردم به دین و دینداری یکی از مواردی است که در روایات بسیاری بدان اشاره شده است. این روایات حاکی از این است که نگاه مردم در آخرالزمان نسبت به دین دچار تغییر اساسی می‌شود. برخی از روایات در این باب بدین قرار است.

۱. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمْرِو جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : وَ رَأَيْتُ النَّازِلَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الاجْتِهَادِ... وَ رَأَيْتُ الْمُؤْمِنَ مَخْزُوناً مُحْتَقِراً ذَلِیلاً... وَ رَأَيْتُ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ... [در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام درباره اوضاع آخرالزمان حقایقی مطرح شده است که در قسمت‌های مختلف این نوشتار از آن بهره جسته‌ایم.] و دیدی که چون شخصی کوشش مؤمن را (در اطاعت خدا) بیند از کوشش او به خدا پناه برد، ... و دیدی که مرد باایمان غمناک و پست و خوار گردد، ... و دیدی که مؤمن نتواند کار بد را انکار کند جز به دلش. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۹)

۲. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا وَكِيعُ بْنُ الْجَرَّاحِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَلِيطٍ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام مِمَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيّاً أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَحْيَى اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا وَ يَظْهَرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يَقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ...»؛ عبدالرحمن بن سلیط گوید: حسین بن علی (ع) فرمود: از ما خاندان دوازده مهدی خواهد بود که اولین آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است و او امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از موت زنده کند و دین حق را به دست او بر همه ادیان چیره نماید گرچه مشرکان را ناخوش آید، او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می‌گوئید این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا ﷺ مجاهده کرده است. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۷، ب ۳۰، ح ۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۸، ب ۶، ح ۳۶)

۳. حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُسْلِمٍ الْخَشَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَرِيحٍ الْمَكِّيِّ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رِبَاحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ حَجَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِجَّةَ الْوُدَّاعِ فَأَخَذَ بِحَلَقَةِ بَابِ الْكُعبَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ وَ كَانَ أَذْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ سَلَمَانٌ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ ﷺ: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِصَاعَةَ الصَّلَوَاتِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ، وَ الْمِيلَ إِلَى الْأَهْوَاءِ وَ تَعْظِيمَ أَصْحَابِ الْمَالِ، وَ بَيْعَ الدِّينِ بِالدُّنْيَا، فَعِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ - كَمَا يَذَابُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ - فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغْيِرَهُ...»؛ همانا از نشانه‌ها و علامات [پایان دنیا و] برپا شدن قیامت... فروختن دین در مقابل دنیا است، در آن زمان قلب مؤمن در درونش گداخته و ذوب می‌گردد هم‌چنان که نمک در آب حل می‌شود زیرا [با چشم خویش] منکر و ناروا را می‌بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، صص ۳۴۸-۳۴۹)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُطَوَّنُهُمْ آلِهَتُهُمْ وَ نِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ وَ دَنَائِرُهُمْ دِينُهُمْ وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رِسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرْسُهُ... فَتَعَجَّبَ الصَّحَابَةُ وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ قَالَ نَعَمْ كُلُّ دَرْسٍ عِنْدَهُمْ صَنَمٌ»؛ بر مردمان زمانی می‌آید که شکم‌های ایشان خدایان ایشان است و زنان آنها قبله‌شان و دینارهای‌شان دین آنهاست و شرف آنها متاع ایشان است. از ایمان و اسلام باقی نمی‌ماند، مگر اثر آن و نه از قرآن مگر نشان یا نوشته‌ای از آن... پس صحابه تعجب کردند عرض کردند یا

رسول الله آیا آنها بتان را می پرستند، حضرت فرمود: بله هر درهم پیش ایشان بتی است. (شعیری، بی تا، صص. ۱۲۹-۱۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، صص. ۴۵۳-۴۵۴)

۵. جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شَاكِرٍ مِنْ أَهْلِ الْمَصِيصَةِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»؛ بر مردم زمانی می آید که اگر کسی بر دین خود شکبیا باشد مانند کسی است که آتش در کف گرفته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، صص. ۴۵۳-۴۵۴)

بررسی سندی روایات

در روایت اول علی بن ابراهیم از راویان بزرگ شیعه است. درباره ابراهیم بن هاشم نیز پیش از این سخن گفته شد. محمد بن ابی عمیر (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۹۱)، محمد بن ابی حمزه ثمالی (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۲۴۹) و حمران بن اعین (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۲۶۹) نیز از راویان ثقه و جلیل القدر شیعه هستند. بنابراین سند روایت، صحیح اعلائی است.

روایت دوم که با اندکی تفاوت در عیون أخبار الرضا نیز آمده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۸)، سند ضعیفی دارد؛ زیرا در سند آن وکیع بن جراح، ربیع بن سعد و عبدالرحمن بن سلیط وجود دارند که مجهول هستند. (نرم افزار اسناد شیخ صدوق)

در سند روایت سوم سلیمان بن مسلم خشاب قرار دارد که از راویانی است که در منابع اهل سنت نام و نشانی دارد ولی متهم به جعل است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۰۶) و نیز عبدالله بن جریج مکی را شیخ طوسی در شمار یاران سنی مذهب امام باقر (ع) ذکر کرده است. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۱) بنابراین سند روایت نه از منظر شیعه و نه از منظر اهل سنت، معتبر به شمار نمی آید. نکته دیگر این که هرچند علی بن ابراهیم در مقدمه کتاب خود ملتزم شده که روایاتی را که در کتابش می آورد از راویان ثقه شیعه باشد، (قمی، ۱۴۰۴ق، مقدمه، ص ۴) ولی از آن جا که راویان این روایت از رجال اهل تسنن هستند نمی توان توثیق عام علی بن ابراهیم را شامل آنها دانست.

روایت چهارم نیز مرسل است.

بررسی دلالتی روایات

از مجموع این روایات و روایات دیگر در این حوزه که به جهت عدم تطویل از ذکر آنها خودداری شده است، به دست می‌آید که:

۱. روایات بیانگر وجود نوعی تحیر، پس‌رفت اعتقادی، ظاهرسازی و رنگ باختن دینداری در آخرالزمان است. چنان‌که حضرت علی ع نیز به این مطلب اشاره فرموده است:
غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که گروه‌هایی گمراه می‌شوند و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۱۰۴؛ صدر، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۶)

۲. عده‌ای از مردم در آخرالزمان، دین و اعتقادات خود را به بهای ناچیزی دنیوی می‌فروشند و برای دست یافتن به مقام و ثروت، به دروغ‌گویی، رباخواری، خیانت در امانت، احتکار و هر کار نادرستی دست می‌زنند و چه بسا در این راه از دین نیز خرج کنند.
۳. اهمیت و ارزش دنیا و امکانات مادی برای آنها از دین و تعالیم آسمانی، زیادت‌ر می‌شود و تلاش آنان برای دستیابی به زینت‌ها و تجملات و مادیات فزونی می‌گیرد به طوری که چیزی در دنیا ارزشمندتر و مهم‌تر از پول و مقام نمی‌شود.

۴. توجه به دین و آموزه‌های آن، ظاهری و ریائی می‌شود و در واقع مسائل و امکانات دنیایی و درهم و دینار، قبله واقعی آنها می‌شود و در دل به آنها بیشتر علاقه و محبت نشان می‌دهند تا آموزه‌های والای دینی. در واقع دین لقلقه زبان می‌شود و عده‌ای از مردم به صورت ظاهری به سمت قبله نماز می‌خوانند؛ اما روح و حقیقت دین و قبله از دل و جان آنها خارج می‌شود و بهره‌ای از معنویات و فضائل انسانی نمی‌برند و بیشتر دل در گرو مادیات و نفسانیات دارند.

۵. وضعیت دینداری در آخرالزمان سخت و شکننده شده و میزان روی گردانی مردم از دستورات الهی، فزونی می‌یابد. این مسئله دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، از جمله:
الف) شکل‌گیری ادیان و مکاتب مختلف ساختگی که رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق‌گرایانه هستند. در روایات به این امر اشاره شده است که سرگردانی در عقاید دینی، نتیجه جریان‌ات باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت ظاهر می‌شود. (کاظمی، ۱۴۲۸ق، ص. ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۲۲۸)

ب) غول‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ای، به شدت با اسلام درگیر می‌شوند و با انواع تخریب‌ها و تحریف‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، سعی بر آن دارند که چهره خشن و سیاهی از اسلام و

دین نشان دهند و در این کار، چنان ماهرانه و شیطنت آمیز واقعیت ها را تحریف و تخریب می کنند که حتی برخی از مسلمانان نیز دچار تردید می شوند و گاه از دین خود شرمیده می شوند. از سوی دیگر، ظواهر دنیا را چنان فریبنده و زیبا جلوه می دهند و انواع فساد و فحشا را در جامعه پخش می کنند، به گونه ای که مردم در کنترل کردن امیال و غرایز خود باید مجاهدت و تلاش فراوان کنند. بازار فسادهای مالی و اخلاقی، چنان گرم می شود که برخی، همه چیز را به فراموشی می سپرند و حتی انسانیت را زیر پا قرار می دهند. روشن است که با فساد علنی دنیای امروز، حفظ دین و معنویت، بسیار مشکل است.

ج) مردم از محتوای اسلام و قرآن و حقیقت آن دور می شوند. این دور شدن به چند شکل اتفاق می افتد. توجه بیش از حد به ظاهر و غفلت از محتوا و پیام یعنی مردم به جای این که دنبال فهم معانی قرآن باشند، بیشتر به خواندن آن و لحن و صوت ارزش بدهند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۱۹۰)

همچنین به قدری معانی مختلف و برداشت های غیرمعقول از قرآن عرضه می شود و به قدری اختلاف قرائت ها و تکررگرایی رواج و مقبولیت یابد که معنای اصلی قرآن و منظور الهی از نزول آن در بین مردم گم شود و دیگر کسی منظور خداوند را از نزول فلان آیه یا سوره نداند. در این صورت نیز از قرآن و اسلام، جز اسم چیزی نخواهد ماند؛ زیرا هر کس حرفی خواهد زد و آن را حرف اسلام و قرآن قلمداد خواهد کرد. (کوفی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۳۹)

۲. وضعیت مساجد

وضعیت مساجد در آخرالزمان طبق روایات، دارای ویژگی های خاص و نگران کننده ای است که به برخی از این ویژگی ها اشاره می شود.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ... مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ وَقُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى...؛ بر مردمان زمانی می آید که... مسجدهای ایشان آباد است و دل های ایشان خراب است از هدایت. (شعیری، بی تا، ص. ۱۲۹؛ موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص. ۴۷۲)

۲. وَقَالَ: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا خَلْقًا ذَكَّرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّهُمْ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ؛ در آخرالزمان مردمانی از امت من در مسجدها می نشینند و در آن حلقه ذکر ایشان دنیا و حب دنیاست با آنان همنشینی نکند؛ زیرا خدا را با ایشان هیچ حاجتی نیست. (شعیری، بی تا، ص. ۷۰ و ۱۳۰)

۳. وَ قَالَ اميرالمؤمنين على (عليه السلام): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ... مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ سُكَّانُهَا وَ عَمَارَتُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَزْدُونُ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَ يَسُوفُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَبِي خَلَفْتُ لَأَبْعَثَنَّ عَلَى أَوْلَيْكَ فِتْنَةً أَثْرُكَ تَثْرُكُ الْحَلِيمِ فِيهَا خَيْرَانِ وَ قَدْ فَعَلَ وَ نَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهَ عَثْرَةَ الْعَفْلَةِ؛ روزگاری بر مردم خواهد آمد که مسجدهای آنان در آن روزگار آباد، اما از هدایت ویران است. مسجدنشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین می‌باشند، که قانون هر فتنه، و جایگاه هر گونه خطاکاری‌اند، هر کس از فتنه بر کنار است او را به فتنه باز گردانند، و هر کس که از فتنه عقب مانده او را به فتنه‌ها کشانند، که خدای بزرگ فرماید: «به خودم سوگند، بر آنان فتنه‌ای بگمارم که انسان شکیباً در آن سرگردان ماند!» و چنین کرده است، و ما از خدا می‌خواهیم که از لغزش غفلت‌ها در گذرد. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۶۹، ص ۵۴۰)

۴. امام صادق (عليه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «وَ رَأَيْتُ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرِفَتْ ... وَ رَأَيْتُ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَ الصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ وَ رَأَيْتُ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَ أَكَلِ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابِ الْمُسْكِرِ وَ رَأَيْتُ السَّكَرَانَ يَصَلِّي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ وَ لَا يَشَانُ بِالسُّكْرِ وَ إِذَا سَكِرَ أَكْرَمَ وَ اتَّقَى وَ خِيفَ وَ ثُرِكَ لَا يَعَاقِبُ وَ يَغْدُرُ بِسُّكْرِهِ؛ و دیدی که مساجد طلاکاری و نقاشی شود، ... و دیدی که برای اذان گفتن و نماز پول گیرند، و دیدی که مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارند، و برای غیبت و خوردن گوشت مردم حق (به وسیله غیبت) به مسجد آیند و در مسجدها از شراب مست‌کننده توصیف کنند، و دیدی که شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیش‌نمازی کند و بمستی او ایراد نگیرند، و چون مست گردد گرامیش دارند و از او ملاحظه کنند و بدون بازخواست او را رها کنند و او را به مستی‌اش معذور دارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۴۰)

۵. عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُسْلِمٍ الْخَشَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَرِيحٍ الْمَكِّيِّ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رِيَّاحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَنَّهُ قَالَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ؛ ... إِنَّ عِنْدَهَا تُزَخَّرُ الْمَسَاجِدُ - كَمَا تُزَخَّرُ الْبَيْعُ وَ الْكُنَائِشُ وَ تُحَلَّى الْمَصَاحِفُ، وَ تُطَوَّلُ الْمَنَارَاتُ وَ تَكْثُرُ الصُّفُوفُ بِقُلُوبٍ مُتَبَاغِضَةٍ - وَ الْأَسْنِ مُخْتَلِفَةٍ؛ همانا در آن هنگام، مسجدها به مانند کلیسای یهود و نصاری آذین‌بندی شوند و قرآن‌ها به زینت آراسته گردند و مناره‌ها بلند ساخته شود و صف‌ها زیاد شود ولی دل‌ها با یکدیگر در کینه و دشمنی و زبان‌ها مختلف باشد.

بررسی سندی روایات

روایت اول و دوم از نظر سندی مرسل است. روایت سوم نیز که یکی از حکمت‌های نهج‌البلاغه است، مرسل می‌باشد؛ اما از آن‌جا که شریف رضی استناد این روایات به امیرالمؤمنین را به لحاظ قوت و شیوایی متن پذیرفته است، می‌توان روایت را معتبر به شمار آورد. سند روایت چهارم و پنجم نیز قبلاً مورد بررسی واقع شده است.

بررسی دلایلی روایات

از بررسی روایات این قسمت نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. هر چند ظاهر برخی از روایات اطلاق داشته و شامل محدوده زمانی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز وقایع قبل از قیامت می‌باشد؛ اما وجود برخی از روایات مانند روایت چهارم که قطعاً بازگویی وقایع نزدیک ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نیز مقایسه محتوای احادیث و اموری که رخ خواهد داد، این نتیجه را به دنبال دارد که این روایات بازه زمانی پیش از ظهور را نیز دربر خواهد داشت.
۲. مساجد از لحاظ شکل ظاهری دارای شکل و نمایی زیبا و آباد هستند و مردم اهتمام زیادی بر ظاهر مساجد داشته به گونه‌ای که مساجد طلاکاری شده و دارای نقش و نگار خیره‌کننده‌ای می‌باشند.
۳. نمازگزاران این مساجد برای اذان گفتن تقاضای پول کرده و دچار انحرافات شدید اخلاقی مانند غیبت، دنیازدگی، عدم قبح مسکراتی مانند شراب نزد آنها و از همه مهم‌تر عدم ترس از خداوند متعال، می‌باشند.
۴. ائمه جماعات در قبال خواندن نماز تقاضای دریافت هزینه می‌کنند و نسبت به محرمات الهی مانند شرب مسکرات باکی ندارند و برای مردم نیز رعایت این امور مهم نمی‌باشد. بنابراین فرهنگ آخرالزمان در حوزه ارزش و گرایش در امور مساجد به نوعی خواهد بود که نوع نگاه مردم به مساجد تغییر اساسی کرده و مساجد کارکرد اصلی خود که عبادت در آن و به یاد خدا بودن را از دست می‌دهند.

۳. دگرگونی ارزش‌ها

با توجه به روایات آخرالزمان و پیش از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارزش‌ها جای خود را به

ضد ارزش‌ها می‌دهد و نگرش مردم به آنها کاملاً تغییر می‌کند. وارونگی ارزش‌ها از ویژگی‌های این دوران شمرده شده است. روایات در این باب فراوان است که از باب نمونه به دو روایت اشاره می‌شود.

۱. هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛ محمد بن صدقه از امام جعفر صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) روایت کرده که پیغمبر ﷺ فرمود: چگونه خواهید بود، زمانی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند. نه امر به معروف کنید و نه نهی از منکر نمائید. عرض کردند: یا رسول الله! آیا این چنین خواهد شد؟ فرمود: آری از این هم بدتر خواهد شد. چه حالی خواهید داشت هنگامی که امر به منکر کنید و نهی از معروف نمائید؟ عرض کردند: یا رسول الله! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری از این هم بدتر می‌شود. چگونه خواهید بود در وقتی که ببینید کار خوب، زشت و کار زشت، خوب شمرده شود؟ (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص. ۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۱۸۱)
۲. امام صادق (ع) می‌فرماید: وَ كَانَ الرَّبَّ ظَاهِرًا لَا يَعْبَرُ؛ می‌نگری که آشکارا ربا می‌خورند و کسی رباخوار را توبیخ نمی‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص. ۳۹)

بررسی سندی روایات

در سند روایت نخست هارون بن مسلم سامرائی وجود دارد که فردی ثقه است. (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۰، ص. ۲۵۱) هرچند در سلسله سند مسعدة بن صدقه متهم به عامی و بتری بودن است؛ ولی محقق خوئی به قرائنی، آن را نادرست می‌داند. (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص. ۱۵۱) او از رجال کامل الزیارات و تفسیر قمی است؛ لذا از وثاقت مبنایی برخوردار است. بنابراین سند، با تحقیق محقق خوئی، صحیح مبنایی است. روایت دوم نیز قبلاً بررسی سندی شده و صحیح اعلانی است.

بررسی دلالی روایات

در روایت نخست، عبارت «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؛ چگونه خواهید بود در وقتی که ببینید کار خوب، زشت و کار زشت، خوب شمرده شود؟» نوع نگرش و

گرایش مردم آخرالزمان را نسبت به کارهای خوب و بد نشان می‌دهد. گاهی یک فرد کار ناشایستی انجام می‌دهد؛ ولی اگر درباره زشت یا خوب بودن آن کار از وی سؤال شود، اقرار به بدی آن کار می‌کند. نوع نگرش چنین شخصی نسبت به کارها تغییر نکرده است؛ هر چند بنا بر هر دلیلی مرتکب کار ناشایستی شده است. اما گاهی انسان مرتکب کار ناشایستی می‌گردد و در جواب زشت یا خوب بودن آن کار، نه تنها اقرار به بدی آن نکرده؛ بلکه ادعای خوبی آن را می‌نماید. چنین شخصی نگرشش نسبت به کارهای خوب و بد تغییر نموده و آنچه در آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد چنین حالتی است.

روایت دوم نیز این نکته را در بر دارد که نگاه مردم در آخرالزمان نسبت به ربا تغییر کرده است؛ گویا ربا از گناه بودن نزد آنها خارج شده است. از این رو در برابر مرتکب آن نه توبیخی انجام می‌گیرد و نه عکس‌العملی از دیگران بروز می‌نماید.

در نهایت باید به یک نکته مهم اشاره شود که هر چند بررسی وضعیت فرهنگی پیش از ظهور امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در حوزه شناخت و باورها و ارزش و گرایش‌ها از منظر روایات، نشانگر تصویری نابه‌هنجار از جامعه بشری است؛ اما با این حال نباید از نظر دور داشت که به همان نسبت عوامل و زمینه‌های دیندار شدن نیز بهتر و بیشتر فراهم است. برای نمونه در هیچ زمانی به اندازه زمان ما ابزار و وسایلی که بتوان با کمک آنها دین را شناخت فراهم نبوده است؛ مانند کتاب، صوت، تصویر و نیز گسترش دانش و معارف. اگر در گذشته شخصی برای استماع حدیثی فرسنگ‌ها راه بیابان را طی می‌نمود، امروز با زدن چند کلید رایانه و یا مراجعه ساده به کتاب‌ها و نیز امواج رادیویی و تصویری و دنیای مجازی... می‌تواند به همان اطلاعات دسترسی پیدا کند. علاوه بر آن که مردم آخرالزمان از عقل و هوش بیشتری برخوردارند. از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود:

خداوند آیات سوره توحید و نیز اول سوره حشر را برای مردم آخرالزمان نازل کرده است، چرا که مردم آخرالزمان از عقل و بینش بالاتری برخوردارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۹۱)

از طرف دیگر هر چند حفظ دین و عمل به وظیفه، در دنیای پرتلاطم و سراسر ظلم و فساد، کاری دشوار است ولی پاداش انسان‌های متدین و دین‌مدار نیز افزون است.

در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود:

به زودی گروهی بعد از شما می‌آیند که يك نفر از آنان اجر پنجاه نفر از شما (صحابه) را دارد. اصحاب گفتند: یا رسول الله ما با تو در بدر و احد و حنین شرکت داشتیم و قرآن در

میان ما نازل شد. پیامبر ﷺ فرمود: اگر بر شما وارد می‌شد آن چه آنان تحمل می‌کنند، مانند صبر آنان صبر نمی‌کردید. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص. ۱۳۰)

بنابراین در این دوران عده‌ای از مردم، به اوج تقوا و دین‌داری رسیده و به آن پایبند هستند. اینان یاران و دوستان حضرت مهدی (عج) هستند و تلاش می‌کنند تا زمینه ظهور و قیام آن حضرت را فراهم سازند و جامعه را آماده کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

خداوند این امر را به وسیله کسی که نصیب و بهره‌ای ندارد نصرت می‌دهد. اگر امر فرج ما برسد هر آینه با حضرت کسانی خروج می‌کنند که تا امروز در بت‌پرستی قرار داشت. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص. ۴۵۰)

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با هدف واکاوی وضعیت فرهنگی آخرالزمان و دوران پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) از منظر روایات، در دو حوزه بنیادین «شناخت‌ها و باورها» و «ارزش‌ها و گرایش‌ها» سامان یافت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که براساس روایات معصومان (ع)، فرهنگ جامعه بشری در آستانه ظهور دچار دگرگونی‌های عمیق و بی‌سابقه‌ای می‌گردد. در حوزه شناخت‌ها و باورها، اسلام دچار غربت شده و از حقیقت آن جز نامی باقی نمی‌ماند. قرآن کریم اگرچه ظاهراً موجود است، اما محتوا و معارف ژرف آن مهجور می‌ماند و مردم از شناخت درست دین و باورهای راستین محروم می‌شوند. این غربت معرفتی، زمینه‌ساز دعوت جدید حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور خواهد بود، چنان‌که پیامبر اکرم (ص) نیز دعوت خویش را در آغاز بعثت با شرایطی مشابه آغاز کرد.

در حوزه ارزش‌ها و گرایش‌ها نیز وضعیتی بحرانی و وارونه نمایان می‌گردد. دینداری در این دوران چنان دشوار می‌شود که مؤمن همانند کسی است که آتش در کف گرفته است. مساجد با آن‌که از نظر ظاهری آباد و آراسته می‌شوند، اما از هدایت تهی گشته و به جای کارکرد اصلی خود، به محلی برای غیبت، نیازدگی و حتی توصیف محرمات تبدیل می‌گردند. ارزش‌های اخلاقی جای خود را به ضد ارزش‌ها می‌سپارند و معروف، منکر و منکر، معروف شناخته می‌شود. رباخواری آشکار و بدون توبیخ، نمونه‌ای از این دگرگونی ارزشی است.

با این حال، از منظر روایات، این دوران بحرانی صرفاً به معنای انحطاط و فروپاشی نیست، بلکه بستر ظهور نیز در همین شرایط شکل می‌گیرد. از یک سو، ابزارها و امکانات شناخت دین

هرچند خود می‌توانند منشأ انحراف باشند، اما برای مؤمنان حقیقی زمینه‌ساز دستیابی به معرفتی عمیق‌تر می‌گردند. از سوی دیگر، مؤمنان راستین که در این شرایط طاقت‌فرسا بر ایمان خویش پای می‌فشرند، از پاداشی افزون برخوردار می‌شوند و زمینه‌ساز ظهور و یاران حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود.

بررسی سندی روایات نشان داد که هرچند برخی از احادیث این حوزه از نظر سندی با چالش‌هایی مواجه‌اند، اما وجود روایات متعدد و هم‌مضمون، همراه با قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، اعتبار محتوایی آنها را تقویت می‌کند. همچنین روشن شد که بسیاری از این روایات با یکدیگر هماهنگ بوده و تصویری نسبتاً روشن از وضعیت فرهنگی پیش از ظهور ترسیم می‌کنند.

این پژوهش در نهایت بر ضرورت شناخت دقیق و همه‌جانبه این بحران‌های فرهنگی تأکید می‌ورزد تا ضمن آگاهی از آسیب‌ها و چالش‌های پیش رو، زمینه‌سازی مطلوب برای ظهور و آمادگی برای رویارویی با آنها با رویکردی فعالانه و نه منفعلانه، فراهم آید. امید است این نوشتار گامی هرچند کوچک در مسیر شناخت بیشتر دوران آخرالزمان و زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود باشد.

منابع

قرآن کریم

- _ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه*، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
- _ نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). *الغیبة*. تهران: نشر صدوق.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*. تهران: اسلامیه.
- _ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*. مصحح: مهدی لاجوردی. تهران: نشرجهان.
- _ ابن بطریق، یحیی بن حسن. (۱۴۰۷ق). *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*. قم:

- مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۹۰ق). *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول ص*. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- ابوالقاسمی، محمدجواد. (۱۳۸۴). *به سوی فرهنگ دینی در جامعه ایران*. تهران: عرش پژوه.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسة آل البيت ع.
- حیدری فر، مجید؛ مقدسی، روح‌الله. (۱۳۹۵). بررسی روایات پیشگویی‌های آخرالزمان درباره جوانان. *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال دهم. شماره ۳۸، ۱۱۱-۱۳۴.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث*. بی‌جا: بی‌نا.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*. قم: هجرت.
- شعیری، محمد بن محمد. (بی‌تا). *جامع الأخبار*. نجف: مطبعة الحیدریة.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). *الفهرست*. تحقیق: جواد قیومی. قم: مؤسسة النشر الفقاهه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). *عدة الاصول*. تحقیق: محمدرضا انصاری قمی. قم: ستاره.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). *الغیة*. قم: دارالمعارف الإسلامية.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). *رجال الطوسی*. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسة آل البيت ع.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر ع*. قم: مكتبة آية الله العظمی الصافی گلپایگانی.
- صدر، محمد. (۱۳۸۲). *تاریخ غیبت کبری*. ترجمه: حسن افتخارزاده. تهران: نیک معارف.
- عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۳). *نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*.

- قم: نشر معارف.
- علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۳). شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت برآن. تهران: تولید دانش.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصيرة المتعظین. قم: انتشارات رضی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- کاشفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: جامعة المصطفی العالمیه.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم. (۱۴۲۸ق). بشارة الإسلام فی علامات المهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳). اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی). تحقیق: مهدی محقق. قم: مؤسسه آل البيت ع.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی. تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- موسسه معارف اسلامی. (۱۴۲۸ق). معجم أحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف. قم: مسجد مقدس جمکران.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی). قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.